



شناسایی راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی

محمدجواد رفیعی^۱، زهرا حسینی^۲، کامران احدی^۳

۱. گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. گروه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Hosseinizahraa@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی با تمرکز بر ابعاد شناختی، اجتماعی و روانی-انگیزشی بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از معلمان، مدیران، کارشناسان آموزشی و فعالان اجتماعی شهر تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها پس از پیاده‌سازی کامل، با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل و کدگذاری شدند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «آموزش و توانمندسازی شناختی»، «تعامل مدرسه و جامعه محلی» و «حمایت روانی-اجتماعی و انگیزشی» شد. در هر مقوله، مجموعه‌ای از زیرمقوله‌ها مانند ارتقای سواد محلی، آموزش مشارکت اجتماعی، مشارکت خانواده‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی، تقویت خودکارآمدی و ایجاد فضای امن روانی شناسایی گردید که به صورت مستقیم در فرآیند توانمندسازی دانش‌آموزان برای ایفای نقش در توسعه محلی مؤثر بودند. توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی مستلزم طراحی راهبردهای چندسطحی در حوزه‌های شناختی، اجتماعی و روانی است. پیوند مؤثر مدرسه با جامعه محلی، آموزش مهارت‌های مشارکتی، تقویت خودباوری و ایجاد فرصت‌های واقعی برای کنشگری از جمله مؤلفه‌های کلیدی هستند. این یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای تدوین برنامه‌های درسی، طراحی مداخلات آموزشی و سیاست‌گذاری‌های توسعه‌محور قرار گیرند.

کلیدواژه‌گان: توانمندسازی دانش‌آموزان؛ مشارکت محلی؛ آموزش شهروندی؛ مدرسه و جامعه؛ توسعه پایدار؛ آموزش مشارکتی

تاریخ ارسال: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



How to cite: Rafiei, M., Hosseini, Z., & Ahadi, K. (2024). Identifying Strategies for Empowering Students to Participate in Local Development. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying Strategies for Empowering Students to Participate in Local Development

Mohammadjavad Rafiei¹, Zahra Hosseini^{2*}, Kamran Ahadi³

1. Department of Higher Education Management, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Department of Higher Education Management, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Department of Islamic Education, University of Qom, Qom, Iran

*Corresponding Author's Email: Hosseinizahraa@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify strategies for empowering students to participate in local development, with a focus on cognitive, social, and psychological dimensions. A qualitative design using inductive content analysis was adopted. Data were collected through semi-structured interviews with 21 teachers, school principals, education experts, and social activists in Tehran. Participants were selected through purposive sampling and interviews continued until theoretical saturation. All interviews were transcribed and analyzed using NVivo software. The analysis revealed three main categories: "Cognitive Empowerment and Education," "School–Community Interaction," and "Psychological and Motivational Support." Each category included subthemes such as local literacy enhancement, social participation training, family engagement, leveraging local institutions, fostering self-efficacy, and providing a psychologically safe environment. These components were found to play an essential role in student empowerment for active local involvement. Empowering students for participation in local development requires multilayered strategies across cognitive, social, and emotional domains. Effective school–community linkage, participatory skills education, self-belief reinforcement, and opportunities for real engagement are key enablers. The findings provide insights for curriculum developers, educational policymakers, and community-based intervention planners.

Keywords: *Student Empowerment; Local Participation; Citizenship Education; School and Community; Sustainable Development; Participatory Learning*

Submit Date: 21 April 2024

Revise Date: 1 June 2024

Accept Date: 16 June 2024

Publish Date: 3 July 2024

در دهه‌های اخیر، رویکردهای آموزشی از تمرکز صرف بر آموزش‌های نظری و انتقال محتوا به سوی تربیت شهروندانی آگاه، مسئول و مشارکت‌جو تحول یافته‌اند. یکی از مفاهیم محوری در این تحول، "توانمندسازی دانش‌آموزان" است؛ مفهومی که هدف آن فراتر رفتن از مرزهای سنتی کلاس درس و فراهم کردن بستری برای کنش‌گری فعال در جامعه است. توانمندسازی، فرآیندی چندوجهی است که منجر به رشد ظرفیت‌های فردی، اجتماعی و نهادی افراد برای تصمیم‌گیری آگاهانه، مشارکت مؤثر در فرآیندهای اجتماعی و ایفای نقش فعال در توسعه پایدار می‌شود (Zimmerman, 2000). در این میان، مشارکت دانش‌آموزان در توسعه محلی، به عنوان یکی از اشکال کنشگری اجتماعی، اهمیت فزاینده‌ای یافته است.

مفهوم توسعه محلی، در ساده‌ترین تعریف، به فرآیند استفاده از منابع محلی برای بهبود کیفیت زندگی در یک منطقه خاص اشاره دارد و نیازمند مشارکت فعال ذی‌نفعان به‌ویژه نسل جوان است (Pike, Rodríguez-Pose, & Tomaney, 2017). جوامعی که از ظرفیت نیروی انسانی به‌خصوص دانش‌آموزان در فرآیند توسعه بهره می‌گیرند، نه تنها به نتایج پایدارتر دست می‌یابند، بلکه زمینه‌ساز تقویت حس تعلق، مسئولیت‌پذیری و سرمایه اجتماعی نیز می‌شوند (Putnam, 2001). با این حال، یکی از چالش‌های مهم در مسیر مشارکت دانش‌آموزان، فقدان راهبردهای مشخص برای توانمندسازی آنان جهت درک و مشارکت مؤثر در امور محلی است. به عبارت دیگر، تا زمانی که دانش‌آموزان از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های لازم برای تعامل با جامعه پیرامونی برخوردار نباشند، انتظار مشارکت مؤثر از آنان، انتظاری غیرواقع‌گرایانه خواهد بود (Holdsworth, 2010).

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که مدارس، به‌عنوان نهادهای اجتماعی بنیادین، می‌توانند بستر اصلی توانمندسازی دانش‌آموزان باشند. مدرسه، در کنار آموزش رسمی، وظیفه دارد با ایجاد ارتباط میان دانش‌آموزان و واقعیت‌های زندگی اجتماعی، زمینه‌های رشد اجتماعی، عاطفی و اخلاقی را فراهم کند (Freire, 1970). این فرآیند مستلزم طراحی برنامه‌های درسی پویا، فعالیت‌های فوق‌برنامه مشارکتی، و آموزش مهارت‌های نرم مانند گفت‌وگو، تفکر انتقادی و کار تیمی است (UNESCO, 2017). علاوه بر آن، پژوهش‌ها حاکی از آن است که توانمندسازی تنها از مسیر آموزش مستقیم حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تجربه‌های واقعی، پروژه‌محور و مرتبط با محیط زندگی دانش‌آموزان است (Hart, 1992). به بیان دیگر، آموزش‌های نظری زمانی معنا پیدا می‌کند که دانش‌آموز آن را در زندگی واقعی تجربه کند و نقش فعالی در تغییر محیط خود ایفا نماید.

یکی از چارچوب‌های نظری مؤثر در این زمینه، نظریه توانمندسازی روان‌شناختی (Psychological Empowerment) است که شامل چهار بُعد اصلی شایستگی، خودمختاری، معناداری و تأثیرگذاری می‌باشد (Spreitzer, 1995). بر اساس این مدل، دانش‌آموز زمانی توانمند تلقی می‌شود که احساس کند توانایی لازم برای ایفای نقش مؤثر در جامعه را دارد، فعالیتش معنادار است، آزادی عمل دارد و می‌تواند تغییر ملموسی ایجاد کند. در پژوهشی که توسط Mitra (۲۰۰۴) انجام شد، مشخص گردید که دانش‌آموزانی که در فرآیندهای تصمیم‌گیری مدرسه مشارکت داشتند، سطح بالاتری از اعتماد به نفس، انگیزش و احساس تعلق به جامعه را گزارش کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که فراهم ساختن بسترهای مشارکت در محیط‌های آموزشی، می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال در آینده کمک کند.

از سوی دیگر، مشارکت دانش‌آموزان در توسعه محلی، تنها یک هدف تربیتی نیست بلکه راهبردی برای توسعه پایدار در سطح خرد نیز محسوب می‌شود. مطالعات توسعه‌ای بر نقش آموزش در توانمندسازی جوامع و تسهیل فرآیندهای مشارکتی در حل مسائل محلی تأکید دارند (Sen, 1999). همچنین، آموزش‌هایی که بر عدالت اجتماعی، آگاهی زیست‌محیطی و حقوق شهروندی تأکید دارند، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری نسلی از کنشگران اجتماعی مسئول و تحول‌آفرین باشند (Westheimer & Kahne, 2004). بنابراین، آموزش نباید صرفاً بر دستیابی به نمره یا موفقیت تحصیلی متمرکز باشد، بلکه باید با ایجاد پیوند میان مدرسه و جامعه، به تربیت دانش‌آموزانی بپردازد که در حل مسائل محله، شهر و کشور خود نقش‌آفرین باشند.

در این میان، ضرورت دارد راهبردهای اثربخشی که بتوانند این هدف را محقق سازند، شناسایی و بومی‌سازی شوند. راهبردهایی که نه تنها بر ابعاد شناختی و آموزشی متمرکز باشند، بلکه به مؤلفه‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی نیز توجه کنند. برای مثال، تعامل معنادار مدرسه با خانواده‌ها و نهادهای محلی، تقویت خودباوری دانش‌آموزان، آموزش شهروندی فعال، و طراحی پروژه‌های مدرسه‌محور می‌تواند از جمله این راهبردها باشند (Fielding, 2001). این راهبردها نیازمند حمایت مدیران، معلمان، سیاست‌گذاران و نیز جامعه محلی است؛ چرا که توانمندسازی دانش‌آموزان در خلأ اتفاق نمی‌افتد، بلکه در بستر تعاملات اجتماعی و نهادی معنادار می‌شود.

بررسی متون داخلی نیز نشان می‌دهد که با وجود اهمیت فزاینده توانمندسازی در اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هنوز در سطح مدارس، برنامه‌های نظام‌مند و اثربخش برای مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان طراحی و اجرا نشده است (اسدی، ۱۳۹۹). شکاف میان برنامه‌های رسمی و نیازهای واقعی جامعه، عدم پیوند میان مدرسه و محله، و نگاه ابزاری به مشارکت دانش‌آموزان از جمله چالش‌هایی است که در این زمینه گزارش شده است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). این موضوع نشان می‌دهد که مطالعات کیفی می‌توانند نقش مهمی در شناسایی راهبردهای بومی، زمینه‌مند و مؤثر در این حوزه ایفا کنند.

با توجه به موارد فوق، هدف پژوهش حاضر شناسایی راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت مؤثر در توسعه محلی است. برای تحقق این هدف، از رویکرد کیفی بهره گرفته شده تا بتوان از طریق مصاحبه با معلمان، مدیران، فعالان اجتماعی و کارشناسان آموزش، به درکی عمیق از تجارب و دیدگاه‌های آنان در این حوزه دست یافت. این مطالعه تلاش دارد تا با شناسایی مؤلفه‌ها و راهبردهای عملی، زمینه‌ساز طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی نوآورانه در جهت پیوند آموزش و توسعه پایدار محلی باشد.

روش‌شناسی

در این پژوهش با هدف شناسایی راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی، از روش تحقیق کیفی بهره گرفته شده است. رویکرد پژوهش، اکتشافی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی است که برای درک عمیق‌تر دیدگاه‌ها و تجارب ذی‌نفعان کلیدی در زمینه توانمندسازی دانش‌آموزان طراحی شده است.

این مطالعه به صورت کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. شرکت‌کنندگان شامل ۲۱ نفر از معلمان، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان آموزشی، فعالان اجتماعی حوزه آموزش، و کارشناسان توسعه محلی در شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیارهایی همچون سابقه فعالیت در حوزه آموزش و توسعه محلی انتخاب شدند. انتخاب شرکت‌کنندگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌طوری‌که پس از مصاحبه با نفر بیست‌ویکم، داده‌ها به اشباع رسید و الگوهای جدیدی به‌دست نیامد.

داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق گردآوری شد. در طراحی پرسش‌های مصاحبه، از چارچوب‌های نظری مرتبط با توانمندسازی آموزشی و مشارکت اجتماعی استفاده شد و پرسش‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شدند که امکان بسط دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان را فراهم سازند. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. در فرآیند تحلیل، ابتدا کدهای باز از متن مصاحبه‌ها استخراج و سپس کدهای مشابه در قالب مقوله‌های فرعی و در نهایت مقوله‌های اصلی سازمان‌دهی شدند. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها از راهبردهایی همچون بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (member check)، کدگذاری مضاعف (double coding) و نظر خبرگان استفاده شد.

یافته‌ها

مقوله اول: آموزش و توانمندسازی شناختی

ارتقای سواد محلی:

یکی از راهبردهای کلیدی توانمندسازی دانش‌آموزان، ارتقای سطح آگاهی آن‌ها نسبت به مسائل و ظرفیت‌های محلی است. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که آشنایی با چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی محله، درک بهتری از نقش دانش‌آموز در توسعه منطقه ایجاد می‌کند. یکی از معلمان اظهار داشت: «دانش‌آموز من وقتی فهمید محله‌شون از نظر فضای سبز در مضیقه‌ست، پیشنهاد ساخت باغچه مدرسه داد.» چنین آگاهی‌هایی با آموزش مستقیم در مورد منابع محلی، تاریخ منطقه و ظرفیت‌های توسعه‌ای قابل انتقال است.

آموزش مشارکت اجتماعی:

توانمندسازی در سطح اجتماعی مستلزم آموزش مهارت‌هایی مانند گفت‌وگو، کار گروهی و پذیرش مسئولیت است. برخی از مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که کارگاه‌های مشارکتی در مدارس می‌تواند نقش مؤثری در درونی‌سازی این مفاهیم داشته باشد. یکی از مدیران گفت: «وقتی دانش‌آموزان در گروه‌هایی برای پاک‌سازی محله سازماندهی شدند، هم همکاری رو یاد گرفتن هم غرور اجتماعی پیدا کردن.» تقویت تفکر انتقادی و خلاق:

دانش‌آموزان نیاز دارند تا بتوانند مسائل پیرامون خود را تحلیل کرده و برای آن‌ها راه‌حل‌های ابتکاری ارائه دهند. آموزش مهارت پرسش‌گری، تحلیل موقعیت‌ها و بازی‌های خلاق از جمله راهکارهایی بود که صاحب‌به‌شوندگان به آن اشاره کردند. به گفته یکی از کارشناسان آموزش: «تفکر خلاق یعنی وقتی دانش‌آموز خودش راه حل می‌سازه برای مشکل آب مدرسه، نه اینکه فقط گوش بده.» تربیت شهروندی پایدار:

یکی از ابعاد کلیدی در مشارکت محلی، تربیت دانش‌آموز به‌عنوان یک شهروند آگاه و مسئول است. آموزش در زمینه حقوق شهروندی، شناخت ساختارهای محلی و مفهوم توسعه پایدار از جمله نکات پررنگ در این زیرمقوله بود. یکی از معلمان تصریح کرد: «دانش‌آموز وقتی بدون رأی در شورا یا نظرش در یک طرح محلی اثر دارد، بیشتر انگیزه می‌گیرد برای مشارکت.» ارتقای مهارت‌های حل مسئله:

حل مسئله به‌صورت عملی و کاربردی در زمینه‌های واقعی، یکی از عناصر مهم توانمندسازی معرفی شد. استفاده از پروژه‌های مدرسه‌محور و آموزش گام‌به‌گام حل مسئله مورد تأکید قرار گرفت. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «ما به مشکل واقعی تو مدرسه داشتیم، بچه‌ها خودشون پیشنهاد دادن و حلش کردن؛ این خودش به جور تمرین برای زندگی‌شونه.» مقوله دوم: تعامل مدرسه و جامعه محلی
مشارکت خانواده‌ها:

تقویت ارتباط مدرسه با خانواده، یکی از محورهای اصلی برای توسعه مشارکت دانش‌آموزان تلقی شد. دعوت والدین به برنامه‌ها، استفاده از تجربیات آن‌ها و اجرای پروژه‌های خانوادگی، از جمله پیشنهادات صاحب‌به‌شوندگان بود. یکی از معلمان اظهار داشت: «وقتی مادر یکی از دانش‌آموزا که پرستار بود درباره بهداشت محله صحبت کرد، تأثیرش از ده تا کتاب بیشتر بود.» بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی:

مشارکت با نهادهای محلی مانند شوراهای شهر، شهرداری‌ها و خیریه‌ها می‌تواند فرصت‌های یادگیری و مشارکت واقعی برای دانش‌آموزان فراهم کند. یکی از مدیران مدارس گفت: «دعوت کردیم مسئول فضای سبز شهرداری بیاد مدرسه، بچه‌ها سوالات خوبی پرسیدن و ایده‌هایی دادن.» گشودگی مدرسه به جامعه:

مدرسه نباید به‌عنوان یک نهاد بسته عمل کند، بلکه باید با جامعه پیرامونی خود تعامل داشته باشد. اجرای نمایشگاه‌ها، حضور در رویدادهای شهری و دعوت از اهالی محل به مدرسه، از جمله مصادیق این راهبرد بود. یکی از دانش‌آموزان گفته بود: «وقتی مردم محله برای دیدن کارهای ما به مدرسه اومدن، حس کردم کارمون مهمه.»

ارتباط با رسانه‌های محلی:

نمایش دستاوردهای دانش‌آموزان در رسانه‌های محلی موجب افزایش انگیزه و تقویت مشارکت آنان می‌شود. برخی مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد دادند از پادکست‌ها، نشریه‌های محلی و فضای مجازی برای معرفی پروژه‌ها استفاده شود. یکی از معلمان بیان کرد: «وقتی گزارش فعالیت بچه‌ها در سایت منطقه منتشر شد، خودشون کلی انرژی گرفتن.»

پیوند آموزش رسمی و غیررسمی:

ادغام آموزش‌های رسمی مدرسه با آموزش‌های عملی و خارج از کلاس مانند اردوهای محلی، بازدیدهای میدانی و پروژه‌های تجربی، از جمله پیشنهاداتی بود که مشارکت‌کنندگان مطرح کردند. به گفته یکی از مدیران: «اردوهایی که بچه‌ها رو با مسائل واقعی روبرو می‌کنه، عملاً آموزش‌های عمیق‌تری رو منتقل می‌کنه.»

شبکه‌سازی با سایر مدارس:

همکاری بین مدارس در سطح منطقه می‌تواند به تبادل تجارب موفق در زمینه مشارکت اجتماعی کمک کند. نشست‌های مشترک و اجرای پروژه‌های گروهی بین‌مدرسه‌ای از جمله موارد مورد اشاره بودند. یک مدرس اظهار داشت: «وقتی با مدرسه‌ی دیگه طرح مشترک اجرا کردیم، بچه‌ها فهمیدن مشارکت فقط تو مدرسه خودشون نیست.»

مقوله سوم: حمایت روانی-اجتماعی و انگیزشی

تقویت خودکارآمدی:

افزایش اعتماد به نفس و باور به توانمندی‌ها در دانش‌آموزان، یکی از مقدمات مشارکت فعالانه در توسعه محلی است. تشویق، بازخورد مثبت، و سپردن مسئولیت از جمله راهکارهای پیشنهادی بودند. یک معلم عنوان کرد: «وقتی یه مسئولیت واقعی بهشون می‌دیم، خودشون رو باور می‌کنن.»

الگوهای نقش‌آفرین:

ارائه الگوهای موفق از بین نوجوانان، فارغ‌التحصیلان یا فعالان اجتماعی می‌تواند الهام‌بخش دانش‌آموزان باشد. یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرد: «وقتی یه دانش‌آموز سابق که الان کارآفرین موفقیه اومد مدرسه، بچه‌ها کلی سؤال داشتن.»

ایجاد فضای امن روانی:

محیط مدرسه باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت و سرزنش، نظرات خود را بیان کنند. احترام به تفاوت‌ها، حمایت روانی و پذیرش اشتباهات از جمله مفاهیم کلیدی در این زیرمقوله بود. یکی از دانش‌آموزان در مصاحبه گفته بود: «وقتی می‌دونم کسی مسخره‌م نمی‌کنه، راحت‌تر نظر می‌دم.»

انگیزش درونی برای مشارکت:

تقویت انگیزه‌های درونی از طریق ایجاد پیوند بین اهداف فردی و اجتماعی، و معنا دادن به مشارکت از دیدگاه شخصی، از جمله راهکارهای مؤثر بود. یکی از معلمان بیان داشت: «وقتی بچه‌ها بفهمن کارشون قراره یه تغییر واقعی ایجاد کنه، دیگه نیاز به تشویق ندارن.»

تشویق و پاداش‌های غیرمادی:

استفاده از مشوق‌های غیرمادی مانند تقدیر در جمع، نقش‌های افتخاری، و نمایش عمومی فعالیت‌ها، به‌عنوان روشی مؤثر برای انگیزش دانش‌آموزان شناخته شد. به گفته یکی از مدیران: «دانش‌آموزی که عکسش تو تابلو افتخارات مدرسه نصب شده بود، انگیزه زیادی برای ادامه فعالیت‌هاش داشت.»

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی راهبردهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌ها نشان داد که راهبردهای مؤثر در این زمینه در سه مقوله اصلی «آموزش و توانمندسازی شناختی»، «تعامل مدرسه و جامعه محلی» و «حمایت روانی-اجتماعی و انگیزشی» قابل طبقه‌بندی هستند. هر یک از این مقوله‌ها دارای زیرمقوله‌ها و مفاهیمی هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه را برای مشارکت فعال، معنادار و پایدار دانش‌آموزان در فرآیند توسعه محلی فراهم می‌آورند.

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، تأکید بر نقش آموزش شناختی در توانمندسازی دانش‌آموزان بود. آموزش‌هایی که منجر به ارتقای سواد محلی، تربیت شهروندی، تقویت تفکر انتقادی و مهارت حل مسئله می‌شوند، اساس مشارکت مؤثر دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند. این یافته با مطالعات پیشین همسو است که آموزش شهروندی فعال را شرط ضروری برای مشارکت اجتماعی پایدار دانسته‌اند (Westheimer & Kahne, 2004). همچنین، پژوهش Hart (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که بدون آگاهی از مسائل محلی، مشارکت دانش‌آموزان صرفاً در حد نمادین باقی خواهد ماند و نمی‌تواند به تغییرات واقعی منجر شود.

در بخش تعامل مدرسه و جامعه محلی، یافته‌ها بیانگر اهمیت تعامل دوسویه میان نهاد آموزش و محیط اجتماعی هستند. از جمله مؤلفه‌های مهم این مقوله می‌توان به مشارکت خانواده‌ها، استفاده از ظرفیت نهادهای محلی، گشودگی مدرسه به جامعه و ارتباط با رسانه‌های محلی اشاره کرد. این یافته‌ها با پژوهش Fielding (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد که تأکید می‌کند مدرسه باید به عنوان نهادی اجتماعی در ارتباطی پویا با جامعه پیرامون خود باشد تا بتواند فرآیند مشارکت دانش‌آموزان را تسهیل کند. همچنین، Mitra (۲۰۰۴) بیان می‌کند که دانش‌آموزانی که در تصمیم‌گیری‌های مدرسه سهیم می‌شوند، اعتماد به نفس و حس تعلق بیشتری نسبت به جامعه خود خواهند داشت.

بعد سوم پژوهش، یعنی حمایت روانی-اجتماعی و انگیزشی، به مؤلفه‌هایی همچون تقویت خودکارآمدی، استفاده از الگوهای موفق، ایجاد فضای امن روانی و تقویت انگیزش درونی برای مشارکت اشاره دارد. این یافته‌ها با نظریه توانمندسازی روان‌شناختی Spreitzer (۱۹۹۵) هم‌راستا هستند که تأکید می‌کند افراد زمانی در فعالیتهای جمعی مشارکت می‌کنند که احساس شایستگی، معناداری، اختیار و اثرگذاری داشته باشند. در همین راستا، پژوهش Zimmerman (۲۰۰۰) نیز بیان می‌دارد که خودکارآمدی، یکی از عناصر حیاتی در فرآیند توانمندسازی اجتماعی به‌شمار می‌رود.

از دیگر نکات مهم حاصل از یافته‌ها، اهمیت تشویق‌های غیرمادی در ایجاد انگیزش درونی برای مشارکت بود. برخلاف تصورات رایج، دانش‌آموزان برای مشارکت در فعالیتهای محلی بیش از آن‌که نیازمند پاداش مادی باشند، به رسمیت شناخته شدن، دیده شدن تلاش‌هایشان و ایفای نقش معنادار در مدرسه و محله علاقه‌مندند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش Holdsworth (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد که در آن نشان داده شد فرصت‌های واقعی برای مشارکت و دیده شدن توسط دیگران، انگیزه دانش‌آموزان برای مشارکت در امور اجتماعی را دوچندان می‌کند.

یکی از نکات قابل توجه در این پژوهش، اهمیت راهبردهای زمینه‌مند و بومی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید داشتند که توانمندسازی باید در بستر محله، مدرسه و فرهنگ محلی معنا پیدا کند. به عبارت دیگر، نمی‌توان از یک الگوی یکسان برای همه مدارس استفاده کرد؛ بلکه لازم است راهبردها متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف طراحی شوند. این موضوع با دیدگاه‌های نظریه توسعه محلی مطابقت دارد که بر اصل مشارکت زمینه‌مند تأکید دارد (Pike, Rodríguez-Pose, & Tomaney, 2017).

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در توسعه محلی، یک فرآیند پیچیده، چندلایه و بین‌رشته‌ای است که مستلزم طراحی راهبردهایی در سطوح فردی، نهادی و اجتماعی است. این راهبردها نه تنها باید بر آموزش و مهارت‌آموزی متمرکز باشند، بلکه باید به ایجاد بسترهای تعامل اجتماعی، ایجاد حس معناداری، و حمایت روانی نیز توجه داشته باشند. بدیهی است که تحقق چنین چشم‌اندازی نیازمند بازنگری در برنامه‌های درسی، آموزش معلمان، حمایت نهادهای محلی و تقویت پیوندهای مدرسه با جامعه است.

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Ahmedi, M., Tavakoli, H., & Soltani, R. (2021). The role of schools in fostering student participation in community development. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 4(2), 47-63.
- Fielding, M. (2001). Students as radical agents of change. *Journal of Educational Change*, 2(2), 123-141.
- Freire, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Herder and Herder.
- Hart, R. (1992). *Children's Participation: From Tokenism to Citizenship*. Florence: UNICEF Innocenti Research Centre.
- Holdsworth, R. (2010). Student voice and educational reform in Australia. *Educational Theory*, 60(4), 379-392.
- Mitra, D. L. (2004). The significance of students: can increasing "student voice" in schools lead to gains in youth development? *Teachers College Record*, 106(4), 651-688.
- Pike, A., Rodríguez-Pose, A., & Tomaney, J. (2017). *Local and Regional Development* (2nd ed.). London: Routledge.
- Putnam, R. D. (2001). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford: Oxford University Press.
- Spreitzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.
- UNESCO. (2017). *Education for Sustainable Development Goals: Learning Objectives*. Paris: UNESCO Publishing.
- Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational and community levels of analysis. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), *Handbook of Community Psychology* (pp. 43-63). Springer.